



مختلف صحبت کردم. یکی از این کیس‌ها مربوط به زنی بود که با وجود مشکلات جدی در رابطه زناشویی، می‌خواست زندگی‌اش را حفظ کند. مرد در رابطه دچار مشکل بود اما از هم جدا نشدند. زن حتی حاضر بود مردش با زنان دیگر در ارتباط باشد، به شرطی که خودش انتخاب کند آن زن چه کسی باشد. این مسئله برای من بسیار عجیب و در عین حال جذاب بود و دنبال چربایی آن رفتم. وقتی کیس‌های مختلف را دیدم، متوجه شدم بسیاری از این مسائل ریشه در تروماها و گذشته افراد دارد.

این تحقیقات چگونه به فیلمنامه تبدیل شد؟

تحقیقاتم را به صورت میدانی و مستندوار ادامه دادم. با دوستان تئاتری که قبلاً با آن‌ها کار کرده بودم، اتود زدم. حتی خانمی به عنوان بخشی از اتودها در جامعه نقش زنی با چنین مشکلاتی را بازی می‌کرد؛ با ماشینش زنان دیگر را سوار می‌کرد، مسئله را مطرح می‌کرد و واکنش آن‌ها را می‌سنجید. این پرسش برایم جدی‌تر شد که چرا یک زن حاضر است چنین کاری انجام دهد و چگونه می‌تواند با این مسئله کنار بیاید. نتیجه این مسیر، شکل‌گیری نسخه ابتدایی فیلمنامه‌ای شد که ارتباط عمیقی با این حوزه داشت.

در باره قصه فیلم توضیح می‌دهید؟

داستان درباره یک زوج پزشک است؛ زن دامپزشک و مرد داروساز. آن‌ها زندگی به ظاهر خوبی دارند اما پس از ازدواج در مسائل زناشویی موفق نیستند. برای درمان به مشاور مراجعه می‌کنند، اما در مسیر درمان با موانع و موقیعت‌هایی مواجه می‌شوند که عبور از تروما را دشوار می‌کند. زن در مقطعی به دنبال جایگزینی برای خودش می‌گردد، اما در ادامه و بر اثر اتفاقات داستان، می‌تواند بر مشکلاتش غلبه کند و به آشتی و صلح درونی برسد. این مسیر به گفت‌وگو با همسرش منجر می‌شود؛ گفت‌وگویی که آگاهی، اعتماد و شناخت بیشتری ایجاد می‌کند و در نهایت این زوج با عشق و تعهدی که به یکدیگر دارند، تصمیم می‌گیرند کنار هم بمانند و مسیر زندگی‌شان را ادامه دهند.

مهم‌ترین چالش‌های اجرایی فیلم چه بود؟

این فیلم از نظر اجرا بسیار سخت بود. فیلمنامه پیچیده‌ای داشت و انتخاب بازیگران به شدت دشوار بود؛ از نظر فیزیکی، چهره، سن، صدا، تجربه و توانمندی. همه چیز باید مثل یک پازل دقیق کنار هم قرار می‌گرفت.

پیش تولید حدود شش ماه طول کشید؛ انتخاب بازیگر، تمرین، استوری بورد و لوکیشن‌یابی. خوشبختانه بیشتر عوامل از دوستانی بودند که در سینمای کوتاه با آن‌ها کار کرده بودم، از جمله تهیه‌کننده فیلم آقای کاکاوند که این پروژه هم اولین تجربه سینمای بلندشان بود.

فضاسازی و نشانه‌های نمادین فیلم چه نقشی دارند؟

یکی از چالش‌های اصلی، فضاسازی روانشناختی و استفاده از نشانه‌ها و المان‌های سمبلیک بود؛ بدون شعار دادن. مثلاً رابطه انسان با حیوان به صورت نمادین با اسب در فیلم مطرح می‌شود و کارکرد دراماتیک دارد.

سکانس‌های میز شکی،

اصطبل و کار با حیوانات بسیار دشوار بود. مهم‌ترین بخش هم سکانس زایمان است که به صورت مستند فیلمبرداری شد. حدود دو ماه منتظر زایمان آن مادیان بودیم و این از نظر تولیدی کاملاً خارج از کنترل ما بود.

در انتخاب بازیگران چه رویکردی داشتید؟

در این فیلم، چهره، فیزیک و صدا برایم بسیار مهم بود. بازیگران باید آن المان‌هایی را که در ذهن داشتم، منتقل می‌کردند. به همین دلیل فرآیند انتخاب طولانی شد. تمرین‌های بسیار زیادی داشتیم تا شیمی بین کاراکترها درست شکل بگیرد و خوشبختانه بازیگران با انگیزه و همراه بودند.

آیا از سبک یا فیلمساز خاصی الهام گرفته‌اید؟

به صورت مستقیم نه، اما طبیعتاً سینماگران شاخص جهان و ایران در ناخودآگاهم تأثیر گذاشته‌اند. دغدغه اصلی من حوزه زنان، مسائل اجتماعی، اخلاقی، خانوادگی و به‌ویژه مسائل روانشناختی است؛ موضوعاتی که به دلیل پیچیدگی کمتر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

من دنبال نسخه ایرانی فیلم‌هایی بودم که در این حوزه ساخته شده‌اند؛ فیلمی که با مختصات فرهنگی ایران همخوانی داشته باشد و جسارت ورود به لایه‌های عمیق‌تر روابط زناشویی را داشته باشد.

کار با این موضوع در فضای سینمای ایران چقدر دشوار بود؟

بسیار چالش برانگیز. برخی موقعیت‌ها و سکانس‌ها بیان‌پذیر نیستند یا نمایش سینمایی آن‌ها بسیار سخت است، به‌ویژه با محدودیت‌ها و ممیزی‌ها. اما تلاش کردیم با رویکردی روانشناختی، بدون ترس از بیابان مسئله، به آشتی با بدن، خود و امکان ارتباط زناشویی بپردازیم و از این مسیر دفاع کنیم.

جایگاه جشنواره فیلم فجر را برای فیلم اول خود چگونه می‌بینید؟

من بیش از سیزده، چهارده سال در سینمای کوتاه فعالیت داشتم و چند فیلم کوتاه داستانی ساختم که در جشنواره‌های داخلی و خارجی موفق بودند. بعد از این همه سال، حضور اولین فیلم بلندم در جشنواره فجر برایم بسیار مهم است.

فجر ویتترین جدی سینمای ایران و سکوی معرفی فیلمساز است؛ فرصتی برای اعتمادسازی و ادامه مسیر حرفه‌ای. سال‌ها منتظر ساخته شدن این فیلم بودم؛ ایده آن به سال ۹۷ برمی‌گردد و خوشحالم که توانستم آن را برای مخاطب کشور خودم بسازم و به فجر برسانم.

آیا جشنواره فجر امروز بیشتر به نفع سینمای بدنه است یا مستقل؟

به نظرم تفکیک درست نیست. مهم این است که بستری وجود داشته باشد تا فیلم‌ها با نگاه‌ها، ایده‌ها و شیوه‌های مختلف بتوانند در جشنواره حضور داشته باشند. امسال حضور دوازده فیلم بلند از نسل جدید و تعداد بالای فیلم‌اولی‌ها اتفاق بسیار مثبتی است. این که از ۱۲۲ فیلم، ۵۵ فیلم اولی هستند، نشان می‌دهد سیل بزرگی از نسل جدید وارد سینما شده‌اند و این می‌تواند روح و جسارت تازه‌ای به جشنواره بدهد.

حرف پایانی؟

در پایان از دبیر محترم جشنواره تشکر می‌کنم برای حمایتی که از فیلم‌اولی‌ها داشتند و این که فیلم‌های اول در بخش سودای سیم‌رغ حضور دارند و تفکیک نشده‌اند. این نگاه باعث انگیزه و دلگرمی فیلمسازان می‌شود تا خودشان را محک بزنند، مسیر آینده‌شان را پیدا کنند و بتوانند تأثیر اجتماعی‌شان را در جامعه بگذارند.

حسین کاکاوند

تهیه‌کننده:

با «حال خوب زن» می‌خواستیم امید و گفت‌وگو را به یاد بیاوریم

فیلم سینمایی «حال خوب زن» به کارگردانی مهدی برزکی و تهیه‌کنندگی حسین کاکاوند، از آثار حاضر در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر است؛ فیلمی در گونه درام اجتماعی که نخستین تجربه بلند سینمایی این گروه سازنده به شمار می‌آید. این اثر حاصل مسیری چندساله در سینمای مستقل است و با تکیه بر تجربه سازندگانش در حوزه فیلم کوتاه شکل گرفته است.

فیلمنامه «حال خوب زن» به قلم مهدی برزکی نوشته شده و فرآیند تولید آن از مرحله نگارش تا پایان پس تولید، بیش از یک سال به طول انجامیده است. بنا بر گفته تهیه‌کننده، بخش قابل توجهی از این زمان به پیش‌تولید اختصاص داشته؛ مرحله‌ای که نقش مهمی در کنترل هزینه‌ها، تمرین بازیگران و آماده‌سازی دقیق لوکیشن‌ها ایفا کرده است. این فیلم با گروهی حدوداً ۴۰ نفره ساخته شده که تعدادی از عوامل و بازیگران آن، برای نخستین بار تجربه حضور در یک پروژه بلند سینمایی را پشت سر گذاشته‌اند. «حال خوب زن» روایتی شخصیت‌محور دارد و تلاش می‌کند بدون اتکا به الگوهای رایج سینمای تجاری، بر روابط انسانی، گفت‌وگو و درک متقابل تمرکز کند. فیلم در فضایی مستقل تولید شده و سعی دارد با پرهیز از اغراق‌های مرسوم و روایت مستقیم، مخاطب را به تأمل درباره کیفیت روابط فردی و مشترک دعوت کند. به گفته سازندگان، امید به‌عنوان یک عنصر محوری در شکل‌گیری روایت، جایگاه ویژه‌ای در این فیلم دارد.

در کنار کارگردان و تهیه‌کننده، جمعی از عوامل جوان و باتجربه در بخش‌های مختلف از جمله فیلم‌برداری، طراحی صحنه و لباس، تدوین و موسیقی با این پروژه همکاری داشته‌اند. «حال خوب زن» با اتکا به مدیریت تولید و هماهنگی گروهی ساخته شده و نخستین نمایش رسمی خود را در جریان برگزاری چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر تجربه می‌کند؛ جایی که فیلم در کنار دیگر آثار بخش سینمای ایران، با مخاطبان و اهالی رسانه روبه‌رو خواهد شد. در ادامه، گفت‌وگویی با حسین کاکاوند، تهیه‌کننده این فیلم، می‌خوانید که در آن درباره شکل‌گیری پروژه، مسیر تولید و دغدغه‌های ساخت «حال خوب زن» توضیح داده است.

همکاری شما با مهدی برزکی چگونه شکل گرفت و چه شد که به تولید «حال خوب زن» رسیدید؟

من اصولاً در کار و زندگی خیلی اهل تصمیم‌های عجولانه نیستم. برای من اعتماد، چه در روابط شخصی و چه در سینما، بدون شناخت شکل نمی‌گیرد. من و مهدی برزکی پیش از این در حوزه فیلم کوتاه با هم همکاری داشتیم و همان تجربه باعث شد به زبان مشترکی برسیم. وقتی ایده «حال خوب زن» مطرح شد، دیدم هم از نظر دغدغه و هم از نظر امکان تولید، با مسیر فکری من هم‌راستا است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم این مسیر را در قالب یک فیلم بلند ادامه بدهیم.

شما سابقه طولانی در فیلم کوتاه دارید. این تجربه چه تأثیری بر تهیه‌کنندگی اولین فیلم بلندتان داشت؟

من از سال ۱۳۹۶ به‌طور جدی وارد حوزه تهیه‌کنندگی فیلم کوتاه شدم و تا امروز بیش از ۳۰ فیلم کوتاه داستانی و مستند تهیه کرده‌ام. قبل از آن هم با انگیزه کارگردانی وارد سینما شدم، دوره‌های مختلف را گذراندم و خودم چند فیلم کوتاه و مستند ساختم. این مسیر باعث شد نگاه تولیدی‌ام واقع‌بینانه باشد. فیلم کوتاه به شما یاد می‌دهد که چطور با منابع محدود، دقیق تصمیم بگیرید و به خصوص اهمیت پیش‌تولید را درک کنید. این تجربه در «حال خوب زن» نقش بسیار مهمی داشت.

فرآیند تولید فیلم چقدر زمان برد و چه ویژگی‌هایی داشت؟

از شروع پیش‌تولید تا پایان پس تولید، حدود یک سال و چند ماه زمان برد. نزدیک به هفت یا هشت ماه فقط درگیر پیش‌تولید بودیم. این زمان طولانی به‌خاطر بودجه بالا نبود، بلکه دقیقاً برای مدیریت و

کنترل هزینه‌ها بود. ما قبل از شروع فیلم‌برداری تقریباً همه چیز را مشخص کرده بودیم؛ از تعداد پلان‌ها و لوکیشن‌ها گرفته تا تمرین بازیگران و جزئیات اجرایی. وقتی بودجه محدود است، تنها راه موفقیت همین دقت و برنامه‌ریزی است.

انتخاب بازیگران در این پروژه چگونه انجام شد؟

انتخاب بازیگر برای ما یک فرآیند بسیار جدی و زمان‌بر بود. حدود سه ماه روی آناتومی نقش‌ها، تضاد شخصیت‌ها، توانایی بازیگری و حتی جزئیات ظاهری کار کردیم. با مهدی برزکی جلسات متعددی داشتیم، نمونه کارها را دیدیم، تمرین گرفتیم و به ترکیب نهایی رسیدیم. حتی بازیگرانی که نقش‌های کوتاه‌تری داشتند، تمرین جدی کردند. برای ما مهم بود که سر صحنه به تکرارهای فرسایشی نخوریم و بازی‌ها از دل تمرین بیرون بیاید.

«حال خوب زن» را بدون لو دادن داستان چطور معرفی می‌کنید؟

به نظرم این فیلم درباره امید است. درباره این که حتی اگر حال زندگی فردی یا مشترک‌مان خوب نباشد، هنوز راهی وجود دارد؛ راهی که جواب داده و آن هم تلاش برای درک متقابل و گفت‌وگوست. فیلم می‌خواهد بگوید خیلی از مشکلات انسان‌ها با گفت‌وگو حل می‌شود و اگر آدم‌ها بتوانند خودشان را جای یکدیگر بگذارند، مسیر تغییر باز می‌شود.

به‌عنوان یک تهیه‌کننده مستقل، مهم‌ترین دغدغه شما چیست؟

مهم‌ترین دغدغه من همراهی و همدلی در مسیر تولید است. خوشبختانه در این پروژه، گروه بسیار خوبی داشتیم. حدود ۴۰ نفر در پروژه حضور داشتند که نزدیک به ۱۰ نفرشان اولین تجربه سینمایی‌شان بود. خود من هم اولین فیلم بلندم را تهیه می‌کردم. این تجربه جمعی، با تمام سختی‌ها، برای من بسیار ارزشمند بود و واقعاً خودم را مدیون تک‌تک عوامل می‌دانم.

تجربه کار با گروهی که بسیاری از آن‌ها اولین فیلم بلندشان بود، چطور بود؟

هم سخت بود و هم لذت‌بخش. وقتی با گروهی کار می‌کنید که انگیزه بالایی دارند، اما تجربه سینمای بلند ندارند، باید زمان بیشتری برای هماهنگی و تمرین بگذارید. ما همین کار را کردیم. از تمرین‌های طولانی بازیگران گرفته تا آماده‌سازی دقیق لوکیشن‌ها، همه چیز با حوصله جلورفت. فکر می‌کنم همین دقت باعث شد نتیجه نهایی به چیزی که می‌خواستیم نزدیک شود.

نگاه شما به جشنواره فیلم فجر چیست؟

جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین جشنواره سینمایی داخل کشور است و ویتترین بخش بزرگی از تولیدات سینمای ایران به حساب می‌آید. طبیعی است که در دوره‌های مختلف، شرایط و فضاها تغییر کند و شاید امروز با روزهای اوچس فاصله داشته باشد، اما همچنان جایگاه مهمی دارد. به‌خصوص برای فیلم‌های اول و مستقل، حضور در چنین فضایی می‌تواند به دیده شدن کمک کند.

به نظر شما چه چیزی می‌تواند به بهبود جشنواره کمک کند؟

به نظرم هرچه جشنواره به سمت ساختاری حرفه‌ای‌تر، شفاف‌تر و پائیاتر حرکت کند، اعتماد بیشتری ایجاد می‌شود. جشنواره یک رویداد فرهنگی است و اگر بتواند تمرکزش را بر سینما و مخاطب حفظ کند، قطعاً برای فیلم‌سازان و تماشاگران جذاب‌تر خواهد بود.

شما بارها گفته‌اید که بیش از جایزه، مخاطب برایتان اهمیت دارد. چرا؟

من در این سال‌ها جشنواره رفته‌ام، جایزه گرفته‌ام و این مسیر را تجربه کرده‌ام. اما امروز، مهم‌ترین آرزویم این است که مردم فیلم را ببینند و حال‌شان با آن بهتر شود. لحظه‌ای که مخاطب با فیلم ارتباط برقرار می‌کند، برای من همان لحظه خوشبختی است.

و در پایان، دوست دارید تماشاگر با چه حسی از سالن سینما بیرون بیاید؟

امیدوارم مخاطب بعد از دیدن «حال خوب زن» با خودش بگوید هنوز می‌شود حرف زد، هنوز می‌شود فهمید و هنوز می‌شود حال را بهتر کرد. اگر فیلم بتواند حتی برای مدت کوتاهی، حال کسی را خوب کند، به نظرم به هدفش رسیده است.